

نقش انقلاب اسلامی در تحول هندسه قدرت نظام جهانی

(از نمایی مؤلفه امنیت ملی)

حسین عباسی^۱

مهدی صباغی^۲

حسن جباری^۳

چکیده

هندسه قدرت جهان در روزگاری بر مبنای دو قدرت «شرق» و «غرب» با سردمداری «شوروی» در شرق و «آمریکا» در غرب مورد تأکید و نظریه پردازی قرار می گرفت. پس از فروپاشی شوروی به عنوان ابرقدرت مشرق زمین زمینه برای تئوری پردازی غربی ها برای تثویز کردن قدرت تک قطبی در جهان فراهم شد تا جایی که فرانسیس فوکویاما، فیلسوف آمریکایی از نظریه «پایان تاریخ» سخن گفت و تأکید کرد که پس از جنگ جهانی دوم و به ویژه بعد از فروپاشی شوروی ارزش های لیبرال دمکراتیک در سراسر جهان به صورت یک جریان غالب و مسلط در آمده است که همه کشورها و جوامع باید، در برابر آن تسلیم شوند. انقلاب اسلامی از حیث تأثیر نظری، نقطه عطفی در تحریک موج استقلال طلبی و آزادی خواهی منطقه و جهان به شمار می آید. پس از فروپاشی شوروی و استقلال کشورهای بلوک شرق، علی رغم ایجاد فضای مناسب برای ایفای نقش در تحولات متعدد سیاسی جهان بلاخص منطقه به وجود آورد. به تعبیر دیگر پیروزی انقلاب اسلامی ایران، هژمون آمریکا و غرب را در منطقه خاورمیانه تحت الشعاع قرارداد و کشوری مستقل از وابستگی های «غرب» و «شرق» توانست در عرصه بین المللی ظهور و بروز داشته باشد و بعد از گذشت سه دهه جمهوری اسلامی الگویی برای سایر کشورهای منطقه، حتی فرا منطقه ای شود. شواهد موجود به خوبی نشان می دهد وضعیت جدیدی در راه است و نوعی تغییر بنیادین در حال اتفاق افتادن است. کارشناسان مسائل بین المللی آغاز تغییر هندسه قدرت جهانی را با ظهور و بروز جمهوری اسلامی عنوان می کنند. از این رو نوشتار حاضر به تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر تحولات ساختار و کارکرد و تحول هندسه جهانی قدرت و امنیت ملی می پردازد، در نتیجه هدف اساسی این نوشتار واکاوی مبانی فلسفی اراده ی تغییر مندرج در فرهنگ و ایجاد ارتباط بین این مبانی انقلاب با ضرورت های جدید ایفای نقش در مسیر تحول هندسه ی قدرت نظام جهانی بوده است و هدف غایی این است که اسلام و جهان اسلام سطح بالاتری در رأس هندسه قدرت قرار گرفته و آن را تجربه کرده و به ایفای نقش در سیاست جهانی بپردازد.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، دستاوردهای انقلاب، ژئوپلیتیک، هندسه قدرت جهانی، امنیت ملی

۱. مربی دانشکده علوم انسانی و قدرت نرم دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران، abbasi201023@yahoo.com
۲. عضو هیئت علمی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، تهران، ایران، Noor1339@Gmail.com
۳. مربی دانشکده امنیت دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران، hjacir@gmail.com



۱. مقدمه

۱-۱. طرح مسئله

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک انقلاب ایدئولوژیک، نه تنها در بعد ملی، احیاگر طرح‌ها، برنامه‌ها و نظریات خاصی برای حکومت و دولت بوده، بلکه در بعد جهانی نیز با توجه به جهان‌شمولی مکتب اسلام، دارای افکار و نظریات خاصی بوده است و آنچه انقلاب ایران را از سایر انقلاب‌ها متمایز ساخته است، بعد فرهنگی و جنبه‌های نرم ابزارگرایی آن می‌باشد. میشل فوکو فیلسوف فرانسوی در تحلیل خود از انقلاب اسلامی ایران بر همین نکته تأکید می‌کند و شاه و قدرت سرکوب آن را مظهر قدرت سخت و خشونت‌آمیز می‌داند و در مقابل قدرت مردم را که بر پایه اسلام ایجاد شده است و اراده عمومی را شکل می‌دهد، جنبه نرم‌افزاری قدرت می‌خواند. «آنچه در ایران مرا شگفت‌زده کرده است، این است که مبارزه‌ای میان عناصر: متفاوت وجود ندارد آنچه به همه این‌ها زیبایی و درعین حال اهمیت می‌بخشد، این است که فقط یک رویارویی وجود دارد: رویارویی میان تمام مردم و قدرتی که با سلاح‌ها و پلیسش مردم را تهدید می‌کند. لازم نیست خیلی دور برویم، این نکته را می‌توان بی‌درنگ یافت، در یک‌سو، کل اراده مردم و در سوی دیگر، مسلسل‌ها قرار دارند» (فوکو، ۱۳۷۹: ۵۸-۵۶).

۱-۲. ضرورت و اهمیت تحقیق

انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی تحقق هندسه قدرت منطقه‌ای و جهانی به معنای توانایی نفوذ در کشورها بدون تهدید و یا پرداخت هزینه محسوس بیان نمود. انقلاب اسلامی ایران از رهگذر تبیین اندیشه و آرمان عدالت‌خواهانه خود درصدد برآمد با روش‌های غیرمستقیم به نتیجه دلخواه و مطلوب یعنی بیداری اسلامی دست یابد: تأیید ارزش‌های انقلاب توسط جنبش‌های آزادی‌بخش، اشاعه الگوی مردم‌سالاری دینی، استقبال ملل مستضعف و افزایش اشتیاق آنان به نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی در صحنه بین‌الملل، توان متقاعدسازی دیگر ملل از زاویه توانایی شکل دادن به ترجیحات و اولویت‌های آنان، جلب و جذب جهان اسلام به شخصیت رهبر انقلاب، فرهنگ، ارزش‌ها، تحولات ساختار سیاسی و اعتبار اخلاقی جمهوری اسلامی ایران و نیز بهره‌گیری از توان اطلاعاتی و ارتباطاتی رسانه‌های سنتی برای انتقال پیام انقلاب به مخاطبان مسلمان و



مستضعف را می‌توان در زمره مواردی دانست که تأثیر انقلاب اسلامی در تحول ساختار سیاسی و تحول هندسه جهانی قدرت قرار می‌دهد.

۲. واکاوی ادبیات موضوع

۲-۱. تعریف انقلاب

انقلاب، از نظر لغوی به معنای حالی به حالی شدن، دگرگون شدن، برگشتن، تحول و تقلب و تبدل، تغییر کامل و مشخص در چیزی و یک چرخش دورانی است در جامعه‌شناسی، انقلاب به معنای یک تغییر ریشه‌ای و بنیانی و عمیق در جامعه و ساخته‌ای اجتماعی به صورت ناگهانی و همراه با نارضایتی از وضع موجود است. (عمرانی درگاهی، علی، ۱۳۸۳: ۴۸)

۲-۲. مفهوم صدور انقلاب

در مورد جمهوری اسلامی ایران می‌توان گفت ایده‌ی صدور انقلاب از دو انگیزه‌ی مهم ناشی شد؛ یکی انگیزه‌ی تبلیغ دینی بود که از اعتقاد به جهان‌شمول بودن دین اسلام و احساس وظیفه برای ترویج آن به سراسر جهان نشأت می‌گرفت و دیگری از حقارت‌ها و سرکوب‌هایی ناشی می‌شد که تمام تاریخ معاصر ایران را از خود آکنده کرده بود؛ بنابراین با پیروزی انقلاب اسلامی و توجه امام خمینی ^(ه) به ایده‌ی صدور انقلاب، به سرعت این ایده از مرحله‌ی فکر به یک سیاست مهم و کاربردی و درنهایت به یک راهبرد همیشگی در جمهوری اسلامی تبدیل شد. (نوازنی، بهرام، ۱۳۸۸: ۴۶۱)

۲-۳. انقلاب اسلامی ایران

در ترکیب «انقلاب اسلامی»، «اسلام»، هدف و «انقلاب»، وسیله است. درواقع، مردم و رهبری انقلاب به وسیله انقلاب تلاش کردند تا مجدداً اسلام را به عنوان یک مکتب اجتماعی و سیاسی احیا نمایند. (حشمت‌زاده، محمدباقر، ۱۳۸۰: ۳۳) در این مکتب، انقلاب اسلامی، یک انقلاب سیاسی یا دگرگونی اجتماعی محض نیست، بلکه تجدید حیات اسلام را در تمام وجوه و ابعاد در نظر دارد و متضمن بازگشت به اصول اسلام به عنوان مکتبی جامع و تضمین‌کننده حیات دنیایی و معنوی انسان است. (افشاری راد، مینو و آقابخشی، علی، ۱۳۹۲: ۳۴۹)



در رابطه با تحلیل موضوع، قبل از گزینش هر رهیافت نظری، لازم است که سه مفهوم کلیدی برای درک سیاست خارجی ایران انقلابی تبیین شود:

۱-۳-۲. استقلال گرایی

این مفهوم، جایگاه والایی در روان فردی و جمعی ایرانیان پس از انقلاب داشته و در ساختار قانون اساسی و قانون گذاری سیاست خارجی و در ذهنیت تصمیم گیری راه یافته است که سهم آن را نمی توان در تحلیل سیاست خارجی نادیده گرفت.

۲-۳-۲. جامع گرایی

عواملی مانند جغرافیا در کنار بروکراسی، بروکراسی در کنار نگرش نخبگان، نگرش نخبگان در کنار تحول در ساختارهای تصمیم گیری و ساختارهای تصمیم گیری در کنار پویایی های منطقه ای و بین المللی، باید مدنظر قرار گیرند.

۳-۳-۲. عام گرایی و خاص گرایی

از یک سو ایران پس از انقلاب شبیه هر کشور دیگری در پی تأمین امنیت خود و رشد اقتصادی و کسب احترام بین المللی بوده است (عام گرایی) و از سوی دیگر ایران، کشوری خاص به لحاظ جغرافیایی، تجربه تاریخی، ساختار اجتماعی، نیاز اقتصادی، هویت فرهنگی، ترکیب نخبگان و سامان سیاسی است (خاص گرایی). (سجادپور، محمدکاظم، ۱۳۸۳: ۶۸)

حال از میان نظریات وسیع در روابط بین الملل که صبغه فراملی گرایی دارند، «نظریه همگرایی منطقه ای» با منش ایران انقلابی مناسبت پیدا می کند. همگرایی متقابل همراه با منطقه گرایی به عنوان راه حلی جهت همکاری و نزدیکی دولت های ملی در دهه های اخیر به طور جدی مطرح بوده و این مفهوم عمدتاً از اصول بنیادی کارکردگرایی الهام گرفته است. (افشردی، محمدحسین، ۱۳۸۱: ۴۴۸) ارنست هاس^۱ بنیان گذار تئوری همگرایی منطقه ای، این تئوری را فرایندی می داند که به واسطه آن، بازیگران سیاسی واحدهای ملی ترغیب می شوند تا انتظارات، وفاداری ها و فعالیت های سیاسی خود را به سوی یک مرکز جدید تعامل گرا معطوف سازند. (مجیدی، محمدرضا، ۱۳۸۷: ۵) بر این اساس، هر پنج





گفتمان انقلاب اسلامی، یعنی گفتمان‌های مصلحت محور (۱۳۶۰ - ۱۳۵۷)، ارزش محور (۱۳۶۸ - ۱۳۶۰)، منفعت محور (۱۳۷۶ - ۱۳۶۸)، فرهنگ‌گرای سیاست محور (۱۳۸۴ - ۱۳۷۶)، (ازغندی، علی‌رضا، ۱۳۸۹: ۱۸ - ۹) و گفتمان اخیر - که ما نام آن را اصول‌گرای کنش‌گر (از ۱۳۸۴ تاکنون) می‌گذاریم - را به دلیل تعاملات غالبی‌اش در منطقه و هندسه جهانی قدرت - علی‌رغم شعار ظاهراً مداخله جوی «صدور انقلاب» - می‌توان بر اساس رهیافت «همگرایی هندسه قدرت منطقه‌ای و جهانی» مطالعه نمود.

شهید مطهری معتقد است: انقلاب روحی مقدمه انقلاب اجتماعی است به نظر وی ابتدا انقلاب روحی در مردم ایران صورت گرفت و بعد انقلاب اجتماعی به وقوع پیوست به تعبیر دیگر انقلاب ایران با پیروی از آیه (ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیرو ما بانفسهم) (قرآن، رعد/ ۱۱) دست به قیام علیه ظلم و جور زد لذا امکان ندارد مردم یک جامعه قیام کنند و نظام اجتماعی حاکم را دگرگون سازند بدون اینکه در درون خودشان انقلابی صورت گرفته باشد.

۴-۲. تعریف هندسه قدرت جهانی

قدرت در دنیا بر اساس فلسفه‌ای بنا شده است و ایجاد موازنه قوا و ایجاد نیروها و انرژی که می‌تواند برای جهان مبانی و شیب اقتدار را تعریف کند بر اساس علم، فناوری و حوزه‌های اقتدار نرم است.

در سازمان ملل و شورای امنیت این سازمان‌های کشورهایی که بمب اتم در اختیاردارند باید قدرت اول دنیا شناخته شوند درحالی‌که ماهیت قدرت تغییر کرده است و در فضای حوزه گفتمانی قدرت در جهان امروز، از سمت قدرت سخت به سمت قدرت نرم حرکت کرده است.

بی‌بدیل یکی از قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی، دنیای اسلام است. دنیای اسلام مجموعه کشورهایی است که فضای ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی بسیار متمایز دارند. هشت تنگه استراتژیک نفت و منابع و میادین بزرگ نفتی در اختیار مسلمانان است و چرا مسلمانان نتوانند از این ظرفیت‌ها به نحو حوزه فکری و اندیشه‌ای و فرهنگی خودشان استفاده کنند. (شمس دولت‌آبادی، محمود: ۱۳۹۲، همایش بین‌المللی نقش



۵-۲. تعریف و مفهوم امنیت ملی

امنیت ملی یعنی دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه و بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تأمین وحدت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد.

با توجه به تعریف بالا به نظر می‌رسد: حفظ ارزش‌های معنوی جامعه، تمامیت ارضی، استقلال و آزادی اجتماعی سیاسی و حفظ جان و نوامیس مردم از جمله موارد عمده و اساسی وظایف دولت‌ها در مقوله امنیت ملی و مکتب امنیتی به حساب می‌آیند. امنیت ملی استثنای بسیار مهمی بر آزادی بیان و اطلاعات است که از اسناد مهم آن می‌توان به بند دوم ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند دوم ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر اشاره کرد. یکی از اهداف و وظایف اساسی حقوق، تأمین و تضمین امنیت در جامعه است. در صورتی که سطح معقولی از امنیت در جامعه وجود نداشته باشد آن جامعه نمی‌تواند از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان خود محافظت کند. امنیت ممکن است در عرصه‌های مختلف فردی، گروهی یا جمعی و ملی در معرض تهدید قرار گیرد. منشاء تهدیدها نیز ممکن است داخلی یا خارجی باشد. با آنکه میان امنیت‌های فردی و جمعی و ملی ارتباط متقابل وجود دارد، در این میان، امنیت ملی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است زیرا بستر لازم برای تأمین دیگر امنیت‌ها و شکوفایی حقوق و آزادی‌های اساسی را فراهم می‌آورد. سایر امنیت‌ها را ممکن است در برابر ارزش‌های دیگر قربانی کرد اما امنیت ملی همواره ارزش غالب است و دولت‌ها آن را در مصادف با هیچ ارزشی فدا نمی‌کنند؛ زیرا در غیر این صورت، موجودیت، تمامیت و اقتدار و فلسفه وجودی آن‌ها در معرض خطر جدی قرار می‌گیرد. از این رو، در کشورهای مختلف، اهمیت امنیت ملی تا اندازه‌ای زیاد است که در صورت تعارض با دیگر حقوق و آزادی‌های شهروندی، بر





آن‌ها غلبه می‌یابند و آن‌ها را محدود یا معلق می‌کند (انصاری، ۱۳۸۷، ص ۱۶۳).

معمولاً امنیت ملی را اساسی‌ترین عنصری می‌دانند که در زندگی اجتماعی یک ملت وجود دارد. به عبارت دیگر «امنیت ملی» عنصری است که تهدید آن مترادف با تهدیدات تمامیت حیات یک ملت است و به همین دلیل معمولاً یک تهدید نظامی جدی اعم از خارجی و داخلی می‌تواند امنیت ملی را به خطر بیفکند. به عبارت دقیق‌تر امنیت ملی اصولاً در صورتی به خطر می‌افتد که جنگی در شرف وقوع باشد یا رخ داده باشد. مرکز بین‌المللی مبارزه با سانسور^۱ معتقد است که تنها در صورتی می‌توان به امنیت ملی استناد کرد که خطر مشخصی تمامیت ارضی یا ملی یک کشور را تهدید کند و اگر این خطر متوجه یک دولت و رژیم خاص باشد نمی‌توان به امنیت ملی استناد کرد (مولایی: ۳۲). بااین‌وجود، هر نوع اطلاعاتی که به واسطه رسانه‌های فراملی پخش و انتشار یابد و شهروندان کشوری را مطلع سازد و آن اطلاع‌رسانی امنیت ملی را تضعیف کند به‌زعم اکثر دولت‌ها باید از دسترس درخواست‌کنندگان اطلاعات دورنگه داشته شود (همان منبع: ۱۶۴).

۳. روش تحقیق

۳-۱. روش تحقیق و گردآوری اطلاعات

در این مقاله با توجه به ماهیت موضوع موردبررسی، روش تحقیق به‌کاررفته، توصیفی-تحلیلی می‌باشد و اطلاعات این تحقیق، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده و محقق برای استدلال‌های پژوهش، دنبال توجیه قانع‌کننده می‌باشد.

۳-۲. پرسش تحقیق

آرمان‌ها و استراتژی‌های انقلاب اسلامی ایران تا چه اندازه تحولات ساختار سیاسی، هندسه قدرت منطقه و جهان را تحت تأثیر خود قرار داده است؟

۳-۳. فرضیه تحقیق

انقلاب اسلامی در جنبه‌های نظری و عملی بر تحولات ساختار سیاسی هندسه قدرت منطقه‌ای و جهانی، تأثیرات آشکار و محسوسی بر جای گذاشته است.



۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

۴-۱. منشاء و پیشینه انقلاب اسلامی در هندسه جهانی قدرت

با بررسی تاریخ انقلاب اسلامی می‌توان گفت که در عمل انقلاب اسلامی ماحصل آرمان‌های جهانی اسلام است، اما از طرفی این آرمان‌ها نیز برگرفته از مفاهیم اسلام ناب محمدی (ص) و فرهنگ متعالی شیعه است.

انقلاب اسلامی در بستر و شرایطی از تاریخ بشری اتفاق افتاد که فرد هالیدی از آن به معمایی متناقض و میشل فوکو به روح جهان بی‌روح و امید جهان ناامید تعبیر کردند (هالیدی، ۱۳۶۴؛ فوکو، ۱۳۷۹).

ورود امام به صحنه مبارزات سیاسی از نظر زمانی و مکانی دقیقاً همان شرایطی بود که مورد اشاره قرار گرفت. در شرایطی که عده‌ای از به‌ظاهر متدینین، مبارزه امام با این شرایط را مشت بر سندان کوبیدن می‌دانستند، امام با خودساختگی تمام و روح تکلیف‌گرایی، اعتقاد به خدا، اعتماد به نفس و باور مردم توانست بنیان‌های سخت‌افزاری رژیم سلطنتی ۲۵۰۰ ساله را درهم‌پیچیده، فراتر از آن سلطه قدرت‌های سلطه‌گر به‌ویژه امریکا و صهیونیسم را در ایران برچیده، نویدبخش رهایی مسلمین و مستضعفان جهان از قید رقیت سلطه‌گران جهانی باشند.

۴-۲. ضرورت شکل‌گیری بروز تحول در هندسه قدرت جهانی؟

امروزه با گسترش دانش و اطلاعات در لایه‌های گوناگون فرهنگی و اجتماعی جوامع امروزی به سطحی از آگاهی و دانایی دست‌یافته‌اند که نظم موجودیت و مدیریت حاکم بر آن را سال‌هاست به نقد کشیده و اکنون به دنبال و در تلاش ارائه و یا نیل به یک منظومه جدید می‌باشند. منظومه‌ای که بتواند بیشترین سطح تعامل و مبادله فرهنگی، اجتماعی را در بین جوامع تسهیل کرده و ملت‌های جهان، منظومه جدید را عاملی در نیل همگون و متوازن به عدالت، صلح، آزادی، اخلاق و همزیستی برشمرده و به اصول، فرآیندها و محصولات آن پایبند باشند. آنچه در این میان مهم جلوه می‌کند جامعه‌شناسی این کار کرده‌است که می‌تواند ملت‌ها را در فهم یکپارچه و آگاهی مربوط به برپایی پنج رکن



منظومه جدید قدرت جهانی است، یاری نماید.

بسترهای ظهور این آگاهی و عکس‌العمل‌های عالمانه متعاقب آن را باید در حوزه شناخت، برداشت، ادراک و استنباط ملتها در محورهای اصلی اداره جوامع و کاستی‌های ناشی از مدیریت قدرت و منافع و اهداف خاص سلطه‌طلبان دانست. امروز ملتها بر این اساس به دنبال افزایش سطح آگاهی و بیداری خود از یک‌سو و از سوی دیگر تعقیب اهداف و نشانگاه‌های جدید بر اساس فهم و دانایی حاصله از تعقیب این روندها بوده که امروز شواهد بروز تحول و یا مطالبات مبتنی بر آن را می‌توان در بسیاری از مناطق جهان مشاهده کرد. بسیاری از نظام‌ها، مکاتب و تریبون‌های سیاسی که ضرورت این تحول و به‌موقع بودن آن را درک نمودند در این مقاطع سعی کردند تا با تنویر افکار عمومی و نمایش حوزه‌های تحول و یا تغییر در نزد دولت‌ها و ملت‌ها، ارکان اصلی و پاسدار ساز جامعه جهانی را دنبال نماید.

آنچه نظم امروز در گرداگرد نقد مکاتب گوناگون قرار گرفته است عدم توازن و تعامل بین بازیگران برتر سیاسی در واحدهای ملی، منطقه‌ای و جهانی در پیگیری این اصول و نادیده گرفتن و جابجایی اصول کلیدی مورد تأکید جامعه جهانی و آحاد انسانی آن است که حتماً بایستی آن را در دایره معرفت تحول و تغییر هندسه قدرت به‌پیش برد که ضمن جای دادن سه اصل عقلانیت، حکمت و مصلحت به افزایش سطح عزت و منزلت انسان و تقویت بازیگران مسئول خدمتگزار و خیرخواه که مسئولیت کلیدی خود را پیاده‌سازی و پایداری بر استقرار عدالت، آزادی صلح اخلاق و نفی ظلم و همزیستی جوامع بشری برای تکامل و تعالی انسانی و الهی باشد. (عصاریان، حسین: خبرگزاری تسنیم)

۳-۴. شاخص‌های هندسه ژئوپلیتیک قدرت جهانی

در هندسه‌ی جدید ژئوپلیتیکی، آمریکا از برتری ابزاری لازم در حوزه‌های اقتصادی و نظامی برخوردار است. درحالی‌که باید این موضوع را مورد توجه قرارداد که برتری به معنی قدرت مطلق نیست. آمریکا هر شیوه‌ای را که در پیش بگیرد، بازهم در حوزه‌های مختلف جغرافیایی با چالش‌های امنیتی روبه‌رو خواهد بود. چنین چالش‌هایی از درون ساختار سیاسی و اقتصادی آمریکا آغاز شده و حوزه‌های فراگیری از هندسه‌ی ژئوپلیتیکی جدید را شکل می‌دهد. در برابر فرایند مقاومتی که برای مقابله با نظام سلطه شکل گرفته،



بازیگرانی در حاشیه به عنوان کارگزار عملیاتی و اجرایی آمریکا ایفای نقش می کنند. چنین کارگزاری در حوزه های مختلف جغرافیایی حضور دارند. این گونه بازیگران در شرایط الحاق به ژئوپلیتیک سلطه قرار دارند. آنان در برابر برتری ابزاری ایالات متحده مرعوب شده اند. ایالات متحده از این بازیگران به عنوان سیاهی لشکر و کارگزار عملیاتی در «جنگ نیابتی» استفاده می کند. محور اصلی منازعه ی کارگزاران جنگ نیابتی آمریکا در ژئوپلیتیک مقاومت علیه ایران سازمان دهی خواهد شد. چنین رویکردی بر اساس قالب های گفتمانی «مقابله ی با هلال شیعه» شکل می گیرد. به موازات شکل گیری پایگاه های منطقه ای آمریکا، شاهد سازمان دهی پایگاه های امنیتی ایالات متحده در جغرافیای مقاومت نیز هستیم. بخشی از این نیروها هم اکنون در سوریه به کنش عملیاتی علیه دولت بشار اسد به عنوان خط مقدم جبهه ی مقاومت فعالیت دارند. این ادبیات نشان می دهد که آمریکا یگان های نظامی خود را به گونه ای سازمان دهی می کند که بتواند به طور هم زمان در دو جنگ منطقه ای درگیر شده یا از کارگزاران جنگ نیابتی خود در جغرافیای مقاومت حمایت و پشتیبانی به عمل آورد.

۴-۴. نگاهی به سیاست جغرافیایی ایران و منطقه (موقعیت ژئوپلیتیک ایران)

امروزه نقش هر کشور در سیاست جهانی تحت تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی آن است. به گونه ای که از دیدگاه جغرافیدانان سیاسی، قدرت هر کشور به شدت از ژئوپلیتیک و موقعیت جغرافیایی آن تأثیر می پذیرد. ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی آن، وضعیت ژئوپلیتیک منحصر به فردی را دارا است. این موقعیت، ایران را تبدیل به کشوری بین المللی کرده است که همواره در معادلات جهانی نقش برجسته ای به آن می دهد. موقعیت ژئوپلیتیکی ایران با انزوای سازگار نیست و نوعی سیاست خارجی برون گرا و فعال را به سیاست گذاران توصیه می کند. (خلیلی، منشادی و آزموده: ۱۳۹۰، ۸۹، ۹۰) موقعیت خاص ایران، همواره بستر مناسبی را برای ایجاد تنش های سیاسی و نظامی و به مخاطره افتادن امنیت ملی آن فراهم آورده است. در گذشته، ژئوپلیتیک ایران به سبب عواملی، مانند منابع خام یا موقعیت گذرگاهی، مورد توجه قرار می گرفت، اما با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه، ایران که یکی از متحدین آمریکا و غرب در منطقه بود به



نیرومندترین دشمن آن‌ها در منطقه تبدیل شد و منافع آن‌ها را آماج حملات تبلیغی خود قرار داد. از این رو، غرب از جانب ابعاد جدیدی از ژئوپلیتیک ایران احساس خطر می‌کند. (فاضلی نیا: ۱۳۸۵، ۲۱) یکی از مهم‌ترین این موارد، عوامل اعتقادی و ایدئولوژیک و در رأس آن ژئوپلیتیک اسلامی - شیعی می‌باشد. ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در مرکز جهان اسلام و در قلب جهان تشیع، واقع شده است که در ترکیب با عوامل و عناصر ژئوپلیتیک مهم دیگری چون ژئوپلیتیک انرژی، ژئوپلیتیک دسترسی و ژئوپلیتیک سلطه‌ی موقعیت ژئوپلیتیک بسیار حساس را در خود می‌بیند. این موقعیت باعث شده است تا تحولات ایران در مرکز توجهات قدرت‌های جهانی و کشورهای منطقه باشد که در ترکیب با سابقه‌ی تاریخی ملت ایران و پتانسیل‌های ملی، چرخه و سیکل تغییرات، موقعیت ژئوپلیتیک بسیار سریعی را برای آن به دنبال داشته است.

۵-۴. نظرگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در مورد هندسه قدرت

«شرایط گیتی حساس و جهان در حال گذار از یک پیچ تاریخی بسیار مهم است. انتظار می‌رود که نظمی نوین در حال تولد یافتن باشد.» وضعیتی که امروز در دنیا هست، وضعیت تحول است. اوضاع جهان در حال تبدیل به یک‌شکل جدید و هندسه‌ی جدید است. اگر بخواهیم در گذشته‌های نزدیک مثلاً در حدود یکی دو قرن نظیری برای این پیدا کنیم، تقریباً شبیه اوضاع بعد از جنگ بین‌الملل اول، البته در جهت عکس آن است؛ آن روز هم هندسه‌ی سیاسی و اقتصادی دنیا تغییر اساسی و بنیادی کرد. یا قبل از آن، در دورانی که اروپایی‌ها استعمار را شروع کردند؛ یک وضعیت جدیدی در دنیا به وجود آمد، شکل عمومی دنیا عوض شد. تحولاتی که امروز مشاهده می‌شود، از این جنس است؛ جنس تغییر شکل عمومی دنیا؛ البته در جهت عکس آن دو مثالی که زدم؛ در جهت تبادل قدرت و توانایی‌های عمومی بین شرق و غرب، یا بین بخشی از ملت‌های دنیا با بخش دیگر. پیداست که به‌سوی تحولات تازه‌ای داریم پیش می‌رویم. (۱۰ بهمن ۱۳۹۱)

۶-۴. آثار جهانی انقلاب اسلامی^۱

انقلاب اسلامی روزبه‌روز آثار جهانی بیشتری هم در جهان اسلام و هم در کل جهان بر



جای می‌گذارد. در حال حاضر در زمینه نشان دادن آثار جهانی انقلاب در عرصه‌های گوناگون کم‌کاری شده است. باین حال اسناد زیادی هست که تأیید می‌کند انقلاب اسلامی در عمق مناطق گوناگون جهان نفوذ کرده است. امروز غربی‌ها از حضور جمهوری اسلامی در آمریکای لاتین اظهار نگرانی می‌کنند و با تحلیل‌های سطحی آن را به عوامل اقتصادی یا نظامی برمی‌گردانند لکن برای ما روشن است که حضور ایران در این منطقه بسیار مهم، یک حضور فرهنگی است و لذا ماندگار و اثرگذار است. (غلامی، رضا، ۱۳۹۲: همایش بین‌المللی)

امروز پروژه‌های اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی به ضد خود تبدیل شده است. یکی از کارهایی که غربی‌ها به‌ویژه بعد از حادثه مشکوک یازده سپتامبر انجام دادند، به راه انداختن جریان اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی در جهان بود. ولی با همه این کارها، هیچ‌گونه از رشد اسلام در غرب کاشته نشد و برعکس، اسلام چند برابر رشد کرد. لذا باید گفت، پروژه‌های اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی شکست خورده و هر میزان غربی‌ها به این کارها ادامه بدهند، اسلام و جمهوری اسلامی ایران بیشتر سود می‌برند.

۷-۴. سبک زندگی اسلامی به سرعت در سطح جهان رو به گسترش است

به تعدادی از علائم زمینه‌ای درباره شکل‌گیری جهانی‌شدن اسلامی با محوریت انقلاب اسلامی می‌پردازیم:

۱. افزایش روزافزون طرفداران انقلاب اسلامی در میان توده مردم،
۲. بروز موج‌های تازه‌ای از بیداری اسلامی که انقلاب اسلامی در شکل‌گیری آن نقش منحصر به فردی داشته است.
۳. جمعیت فزاینده مسلمانان در جهان، امروز حتی غربی‌ها از افزایش جمعیت مسلمانان در کشورهای خودشان به شدت نگرانند. البته توجه داشته باشید که افزایش جمعیت مسلمانان صرفاً ناشی از مولید نیست بلکه بخش مهمی از آن به روی آوردن مردم جهان به اسلام است.
۴. گسترش سبک زندگی اسلامی در جهان
۵. نفوذ نرم انقلاب اسلامی در اقصی نقاط جهان، از آسیا و آفریقا تا اروپا و آمریکا.



۶. پیشرفت‌های اعجاب‌آور جمهوری اسلامی علی‌رغم تمام فشارهای غرب طی ۳۶ سال اخیر، این پیشرفت‌ها نه تنها برای مسلمانان جهان امیدبخش بوده بلکه قدرت اسلام در ایجاد آبادانی، رفاه و عدالت را به رخ جهانیان کشیده است. به نظر می‌رسد، حتی اگر امروز آرمان شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی دوباره زنده شده است، این برمی‌گردد به همین پیشرفت‌های بزرگ جمهوری اسلامی که مطمئناً اگر فشارهای غرب نبود، چندین برابر الآن بود. (غلامی، رضا، ۱۳۹۲: همایش بین‌المللی)

۸-۴. دستاوردهای کلان انقلاب اسلامی و اثرات جهانی انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر هندسه جهانی قدرت

انقلاب اسلامی دستاوردهایی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره دارد. در اینجا به چهار سطح متفاوت از این دستاوردها به شرح زیر می‌پردازیم.

۱. سطح ملی
۲. منطقه‌ای
۳. جهانی
۴. تاریخی

۸-۴-۱. دستاوردهای ملی

در سطح ملی دو دستاورد بزرگ را برای انقلاب اسلامی وجود دارد که بسیار مهم است و مرتبط با خود انقلاب است، یعنی اگر انقلاب نبود این دو دستاورد را نداشتیم.

✓ **تشکیل یک نظام دینی کارآمد بنام نظام جمهوری اسلامی؛** انقلاب اسلامی و حضرت امام (ره) نظریه جافتاده جدایی دین از سیاست را که سیصد سال مبنای اسلامی تشکیل حکومت را به چالش کشانده بود باطل اعلام کرد و فرمود که ما موظف هستیم که حکومت دینی تشکیل دهیم و حکومت دینی هم در زمان غیبت می‌تواند به وجود بیاید و موفق هم باشد.

✓ **شکل‌گیری جامعه ولایی در قبال جامعه مدنی؛** شکل‌گیری جامعه ولایی در قبال آن چیزی است که در غرب به‌عنوان جامعه مدنی مطرح می‌شود. جامعه ولایی که در انقلاب اسلامی در کشور ایران شکل گرفت متشکل از سه عنصر می‌باشد؛

الف) رهبری ولایی

ب) امت ولایت مدار

ج) مکتب ولایی.

در تمامی انقلاب‌هایی که تاکنون رخ داده است، بعد از انقلاب، انقلاب متوقف می‌شود



و نظام سیاسی جای آن را می‌گیرد، ولی در انقلاب اسلامی که دولت بازرگان می‌خواست این کار را بکند و درواقع مردم را از صحنه سیاسی خارج نماید، حضرت امام^(ره) اجازه ندادند و فرمودند مردم باید در صحنه باشند، روحانیت باید در صحنه باشد. لذا به موازات شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، یک نظام اجتماعی هم به وجود آمد که آن جامعه ولایی می‌باشد؛ این جامعه ولایی در طول مدتی که از عمر انقلاب اسلامی گذشته است، سه نقش اساسی و مهم را بازی کرده است:

۱. پشتیبانی از نظام جمهوری اسلامی
۲. خنثی کردن توطئه‌ها و بحران‌هایی که در طول این مدت پیش آمده است و همه این‌ها به وسیله جامعه ولایی خنثی شده است.
۳. تداوم انقلاب: انقلاب به وسیله جامعه اسلامی ایران ادامه دارد. باگذشت چهار نسل از انقلاب اسلامی دیده می‌شود، نسل کنونی جامعه (جوان‌های ۲۰ - ۱۸ ساله) که اصلاً آن دوره را احساس نکردند اما همان روحیه را دارند که جوان‌های سال‌های ۵۸ - ۱۳۵۷ داشتند و این، مسئله بسیار مهمی است.

۲-۸-۴. دستاوردهای قدرت منطقه‌ای انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی در سطح منطقه‌ای هم اثرات عظیمی داشت.

✓ **بازتعریف منطقه:** غربی‌ها سعی می‌کردند این منطقه را بنام خاورمیانه که یک کلمه استعماری است یعنی اروپا مرکز است به ما القاء بنمایند. متأسفانه هنوز هم بعضی‌ها به کار می‌برند. البته این کلمه را مقام معظم رهبری بکار نبردند و غرب آسیا بکار می‌برند. منتهی واژه‌هایی که در گذشته وجود داشت بنام جهان اسلام، انقلاب اسلامی، جهان اسلام را مجدداً مطرح کرد. در درون جهان اسلام، مرکزیت با ایران اسلامی است هم از لحاظ جغرافیایی و هم فرهنگی، بعد در جهان اسلام، جهان تشیع مجدداً مطرح کرد و اثرات عظیمی را این جهان تشیع بر جای گذاشت. البته تأثیری که انقلاب اسلامی بر جهان تشیع گذاشته است ویژه و خاص می‌باشد و عبارتند از خروج شیعه از حاشیه و ورود به متن

✓ **افزایش گرایش به تشیع:** قبل از انقلاب، تنها اگر ایرانی‌ها می‌رفتند مثلاً در خارج ازدواج می‌کردند. زن آن‌ها شیعه می‌شد. ولی با توجه به تبلیغات عظیم دستگاه وهابیت



بیشترین گرایش به سمت اهل سنت و بخصوص وهابیت بود، ولی بعد از انقلاب میلیون‌ها نفر از مردم به شیعه گرایش پیدا کردند و خواستار مذهبی شدند که توانسته بود چنین انقلاب عظیمی را انجام دهد.

✓ **جهانی‌شدن گفتمان شیعه:** گفتمان شهادت، عدالت و مردم‌سالاری و... گفتمان‌هایی است که به‌طور مطلق به شیعه تعلق دارد، اما امروز حتی آقای اوباما از عدالت صحبت می‌کند، از واژه جهاد صحبت می‌کند و آن را بکار می‌برد.

✓ **خروج از حالت محافظه‌کاری و برخورداری از روحیه انقلابی:** قبل از انقلاب شیعیان لبنان به جاسوسان اسرائیل معروف بودند. امام موسی صدر به آنجا رفت و اولین حرکتی که به وجود آورد حرکت المحرومین بود، یعنی یک عده‌ای از شیعه مظلوم و محروم در آنجا زندگی می‌کردند ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، آن شیعیان محروم و مستضعف به گلوله‌های آتشی تبدیل شدند که پنج قدرت جهانی که لبنان را اشغال کرده بودند وادار به فرار کردند.

۹-۴. دستاوردها و اثرات جهانی قدرت انقلاب اسلامی

در سطح جهانی اثرات انقلاب اسلامی یک هندسه قدرت جهانی به وجود آورد. در موقع انقلاب اسلامی به پیروزی رسید که نظام دوقطبی بر دنیا حاکم بود، یعنی دنیا را به دو قطب شرق و غرب تقسیم کرده بودند. دو ابرقدرت در رأس آن‌ها بودند. منشاء همه حوادث و اتفاقات جهانی یا غرب بود یا منشاء شرقی داشت. درنهایت هم به توافق می‌رسیدند. حتی در مورد نهضت مشروطه و ملی شدن صنعت نفت هم ما حمایت‌های این دو را داشتیم، یعنی در مشروطه، روس‌ها از مستبدین حمایت می‌کردند و دیگ پلوی انگلیس هم پذیرای مشروطه‌خواهان بود. در ملی شدن صنعت نفت هم این‌طور بود؛ آمریکا از جبهه ملی، انگلیس از دربار و روس‌ها از حزب توده حمایت می‌کردند. اولین حادثه‌ای که این قانونمندی را به هم زد چیزی نبود جزء نهضت حضرت امام خمینی^(ع)، در این نهضت بود که امام خمینی^(ع) در همان سال‌های ۴۲ - ۴۱ فرمودند آمریکا از شوروی بدتر و شوروی از انگلیس بدتر است و انگلیس از هر دو بدتر و همه از هم پلیدتر هستند.

۱۰-۴. سطح تاریخی

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) بارها فرمودند ما در یک پیچ تاریخی هستیم. ولی کسی



نمی‌گویند این پیچ تاریخی کجاست و چیست؟ می‌توان با نمایش فراز و فرود تاریخ تمدن بشری و اسلامی در یک حرکت سینوسی جایگاه پیچ تاریخی را مشخص کرد. دنیا در تاریخ تمدن بشری معروف است به دوران قدیم، قرون وسطی و قرون معاصر که هیچ‌کس تردیدی ندارد. رقابت بین شرق و غرب و ابرقدرت‌ها همواره در این نمودار ملاحظه می‌شود. در قرون قدیم، علم و دانش در یونان باستان و غرب بود. در شرق خبری نبود دو امپراتوری بر دنیا حاکم بودند؛ امپراتوری روم و امپراتوری ایران. حادثه‌ای که رخ داد و توانست این دوره را به اتمام برساند چیزی نبود جز نهضت پیامبر اسلام (ص)، ظهور اسلام و ظهور پیامبر اکرم به عنوان پیامبر توانست یک تحول عظیم تاریخی ایجاد کند. در اثر همین ظهور اسلام و علم و دانش هم از غرب رخت برپست و به جهان اسلام آمد. در این دوره جهان اسلام بیشترین خدمت را به عالم علم و دانش کرد.

از سوی دیگر، یک جنگ تمام‌عیار بین شرق و غرب ادامه داشت. دویست سال جنگ سخت با ما کردند و هشتصد سال جنگ نرم؛ اما نهایتاً توانستند با جنگ نرم و خدعه از طریق زن و شراب، فساد را در میان مسلمانان و فرماندهان آن‌ها توسعه بدهند و ما را به آن سمتی بکشانند که نهایتاً موجب سقوط جهان اسلام شد.

شروع بعثت پیامبر اکرم (ص) پیچ اول تاریخ بود و این رنسانس اروپا پیچ دوم تاریخ است، یعنی علیه خرافات کلیسایی قیام شد، سکولاریسم را ترویج داده شد. سی سال جنگ در اروپا انجام شد و در نهایت توانستند با عهدنامه وستفالی دین را کنار بزنند. امپراتوری‌ها را از بین ببرند و در نهایت سکولاریسم و مدرنیسم را حاکم کردند و دوره جدیدی به وجود آمد بنام قرون معاصر که در این قرون معاصر غرب با تکیه بر علم تجربی، علم غیرتجربی را کنار گذاشتند و توانستند پیشرفت‌های عظیمی بکنند و جهان اسلام هم به خواب فرو رفت و مستعمره شد. در این دو دوره بازمی‌بینیم در پایان دو امپراتوری، یکی امپراتوری شوروی و دیگر امپراتوری آمریکا حاکم بود.

حادثه‌ای که امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به عنوان پیچ تاریخی ذکر می‌کنند، این پیچ سوم است، یعنی پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ میلادی یا ۱۳۵۷ شمسی که توانست این دوره قرون معاصر را به اتمام برساند و قرون تازه‌ای را تعریف کند که اصطلاحاً به نام قرون جدید مشهور است. مقام معظم رهبری می‌فرمایند که دوره جدید،

دوره اسلام و قرآن و تعالی اسلامی است.

۱۱-۴. واکاوی نظم جدید در هندسه قدرت جهانی

درواقع جهان به‌طور خیلی طبیعی در حال عبور از یک مرحله‌ای و ورود به یک مرحله جدیدی است. معمولاً نظام‌های جهانی عمری در همین حدود داشتند. حدود ۷۰ سالی که از شکل‌گیری‌های نظام دوقطبی شاهد می‌گذرد و مشاهده‌ی دوره افول این قدرت‌ها و این نظام‌ها می‌باشد که تقریباً عمر طبیعی یک فرایند جامع بین‌المللی است. کما اینکه دوره حاکمیت اروپا تا زمانی که اولین نشانه‌های فروپاشی آن مشاهده‌شده نیز چیزی در همین حدود است.

نشانه بعدی یک دوره اغتشاش و بی‌هویتی در نظام بین‌الملل می‌باشد که از اوایل قرن بیستم آغاز می‌شود و تا اواسط قرن بیستم استمرار پیدا می‌کند و در این مقطع دست‌کم دو جنگ جهانی اتفاق می‌افتد و الآن به‌نظام جدیدی در سطح بین‌المللی که به‌نظام دوقطبی معروف است می‌رسیم این تقریباً وضع طبیعی نظام‌ها و پارادایم‌ها در سطح بین‌المللی است، مخصوصاً در وضعیتی که شاهد هستیم و یا حیات سیاسی ما اجازه تجربه چنین موضوعی را می‌دهد.

بنابراین باید به دو تا نکته مقدماتی توجه شود؛ یک نکته این است که الآن دوره گذار می‌باشد، یعنی نظام قبلی به پایان رسیده و فروپاشیده است. هم ضلع شرقی آن و هم ضلع غربی آن، هم چهارچوب‌های سیاسی آن و هم چهارچوب‌های اقتصادی آن، هم چهارچوب‌های فرهنگی آن و هم به تعبیر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ارزش‌ها، اصول و منطق آن. درواقع همه این‌ها به پایان رسیده است و این یک پارادایم پایان‌یافته است و ما در شرایط عبور از پارادایم سابق به پارادایم جدید هستیم. این دوره‌ای است که دست‌کم ۲۰ سال از آغازش می‌گذرد و بیش از ۲۵ سال است که از آغاز این فرایند می‌گذرد؛ یعنی اگر فروپاشی دیوار برلین را به‌عنوان علامت شاخص این فروپاشی نظام دوقطبی ارزیابی کنیم، بعد در این فرآیند به رخدادها نگاه شود، می‌بینیم که از حدود سال‌های ۱۹۹۰ در این فرایند، فروپاشی و پایان پارادایم سابق آغازشده است و دنیا در یک شرایط گذار قرارگرفته است. امروز حدود ۲۵ سال از این دوره می‌گذرد. دوره‌ای که





ما شاهد بی‌نظمی به مفهوم کلانش در سطح بین‌المللی هستیم و اگر خواسته باشیم یک مقایسه‌ای کنیم باید بگوییم که بین مثلاً ۱۵ تا ۲۰ سال آینده هم ما قطعاً در مقطع گذار خواهیم بود، یعنی گذار از نظام قبلی به نظام بعدی یک دوره را سپری کرده است و هنوز نیم دوره از زمان طبیعی خودش باقی مانده است و این یک مجال و فرصت ۱۵ تا ۲۰ ساله برای مسئولین نظام مقدس ج.ا.ا می‌باشد که بتوانیم در این فاصله ۱۵-۲۰ ساله شرایط کشور خود را مدیریت کنند و ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های لازم را در کشورمان ایجاد نماییم تا بتوانیم با شروع پارادایم جدید، جایگاه برجسته کشور ایران مشخص گردد. لازم به ذکر است که شاید بیان شود این دوره ۱۵-۲۰ دوره کمی است و نمی‌شود از یک کشور حاشیه‌ای به یک کشور کانونی تغییر انجام گیرد. البته باید اعلام کرد ایران همین الآن کشوری با قدرت متوسط می‌باشد و در سطح بین‌المللی هم به عنوان یک قدرت منطقه‌ای به رسمیت شناخته شده است، بنابراین ابزارهای لازم برای یک قدرت جهانی در اختیار می‌باشد.

نکته دوم این است که به هر حال وقتی پارادایم جدید شروع می‌شود، باید بدانیم که حداقل ۷۰ سال دیگر طول می‌کشد تا ایران فرصتی شبیه امروز پیدا کند و بتواند در حد و اندازه‌های الآن تغییراتی ایجاد نماید و منافع ملی کشور را بر پایه حقایق جدید بنا شوند بنابراین خمودگی، خموشی، تنبلی و تحلیل اشتباه می‌توانند برای دست کم ۱۰۰ سال مشکلاتی را برای ایران پدید بیاورد.

۵. نتیجه‌گیری و ارائه راهکار

امنیت ملی همان فرآیند وسیع و تمام‌عیار حفظ ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی است و دستیابی به هدف‌های متعالی و مسطح ساختن مسیر رشد و بالندگی و رسیدن به قدرت جهانی مرهون توسعه اقتدار امنیتی است و در رابطه با تأثیرات نظری و معنوی، می‌توان گفت که کارنامه انقلاب اسلامی در خصوص تأثیر انقلاب اسلامی در منطقه و جهان، فراز و فرودهای بسیاری داشته است؛ اما در پاره‌ای از مقاطع به دلیل ضعف شناخت از واقعیت‌های این منطقه و جهان و مداخلات قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی نتوانستند آن‌چنان که باید تحولات سیاسی این منطقه را بر اساس منافع انقلاب



اسلامی ایران مدیریت کنند. بنابراین با توجه به تحلیل‌هایی که گذشت، از پاسخ مقدماتی (فرضیه) به سؤال اصلی موضوع، استدراک نموده و آنچه را که به آن دست‌یافته‌ایم را در دو حوزه قابل تفکیک می‌دانیم:

انقلاب اسلامی به دلیل داشتن عناصر دینی از لحاظ تئوری و معنوی از بدو پیروزی‌اش در سال ۱۹۷۹ تأثیرات ایدئولوژیکی و معنوی مشخصی بر منطقه و جهان گذاشت. این مسئله از انقلاب اسلامی، الگویی ارائه کرد که به‌عنوان چراغ راهنمای مردم منطقه و جهان در مسیر اسلام‌گرایی، آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی قرار گرفت و از این جهت، زمینه تحولات سیاسی چند سال بعد فراهم آمد.

نظم مستقر جهانی مطلوب بسیاری از کشورها، از جمله جمهوری اسلامی ایران نیست. تغییر وضع موجود بخشی از اهداف کشورهای مذکور است. تحولات اخیر حکایت از ارتقای جایگاه معنویت در میان دولت‌ها و ملت‌ها دارد که امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) رهبر ایران همواره بر آن تأکید دارند. پیچ تاریخی کنونی حاکی از تحولاتی است که آینده‌ی هندسه نوین جهانی را رقم خواهد زد. وجه مشخصه‌ی دوره‌ی کنونی، مبارزه با دیکتاتورهای داخلی و بین‌المللی است. بخش مهمی از دیکتاتورهای داخلی سقوط نموده‌اند، اما دیکتاتورهای بین‌المللی و نهادهای تأثیرگذار آن، نیاز به بازنگری اساسی و انقلابی دارند.

اگر بخواهیم در جهت رفع کاستی‌های موجود در صدور انقلاب و بهبود ایفای نقش انقلاب اسلامی در تحولات سیاسی آینده منطقه و جهان، راهکارهایی را پیشنهاد کنیم، باید بر چند محور مهم تأکید نماییم:

۱. پایبندی به «اسلامیت» انقلاب: باید این حقیقت را پذیرفت که پیش از هر چیز، انقلاب ایران یک انقلاب اسلامی است. بر این اساس، سیاست خارجی ایران در قالب عمل‌گرایی و یا آرمان‌گرایی، از سوی دیگر بازیگران منطقه‌ای و جهانی از زاویه ایدئولوژی اسلامی نگریسته خواهد شد. این امر با توجه به مسلمان بودن بخشی زیادی از جهان به‌عنوان عامل ارتباطی می‌تواند با حساسیت بیشتری دنبال شود. (مرادی، منوچهر، ش: ۶۱)
۲. توجه به ارشادات مثبت نظریه همگرایی منطقه‌ای: منطقه‌گرایی و تأکید بر راه‌حل‌های منطقه‌ای می‌تواند از دیگر عناصر انقلاب اسلامی در قبال منطقه باشد. البته



این دیدگاه به معنای نفی پذیرش نقش برخی مجامع بین‌المللی نیست. نظریه همگرایی منطقه‌ای موجب می‌شود تا ایران علاوه بر تلاش برای پیشبرد روابط دوجانبه با کشورهای منطقه، همکاری‌های چندجانبه را نیز پایه‌ریزی کند. (مرادی، منوچهر، ش: ۶۱)

۳. تأکید بر ارتباطات منطقه‌ای و جهانی: در رابطه با تعاملات منطقه‌ای و جهانی، نظریه ارتباطات در روابط بین‌الملل در کنار سایر نظریات بسیار مطرح است. دیدگاه‌های کارل دوویچ به‌عنوان نظریه‌پرداز اصلی در این زمینه و در سطوح جهانی و منطقه‌ای مورد توجه بسیار قرار گرفته است. (دوویچ، کارل، ۱۳۷۵: ۷۸۳) در سطح منطقه‌ای و جهانی، همان‌طور که هاس در سطح منطقه تأکید می‌کند، توجه به مناطق مرزی، ارتباطات و انجام برنامه‌ریزی‌های لازم در این زمینه، بسیار مهم است. در کنار پی‌آمدهای فراوان همگرایی، همگرایی در جهت کمرنگ کردن مرزهای متعارف و متصلب میان واحدهای ملی تعیین‌کننده است. بنابراین، توجه به اهمیت ارتباطات منطقه‌ای و هم‌جواری مرزی میان ایران با کشورهای اسلامی، می‌تواند در بسترسازی تأثیر انقلاب اسلامی بر تحولات سیاسی این کشورها مؤثر واقع شود و همچنین در سطح جهانی سیاست ایران باید بر اساس صدور انقلاب اسلامی پیگیری شود.

۴. توجه به نقش تاریخی ایران در منطقه و جهان: تئورسین‌های انقلاب اسلامی باید دریابند که بخش عظیمی از منطقه و جهان فعلی در گردونه تاریخ، همواره بخشی از قلمرو ایران بوده است که به دلیل ضعف دول گذشته از ایران جدا شده‌اند، ولی همچنان پیوندهای تاریخی و فرهنگی خود با ایران را حفظ کرده است.

۵. درک صحیح از تهدیدات و چالش‌ها: دیپلماسی انقلاب اسلامی همواره از سوی قدرت‌های جهانی با محدودیت‌ها و تهدیداتی روبه‌رو بوده است. این امر در رابطه با منطقه و جهان به دلیل شرایط خاصی که دارد جدی‌تر است. از سوی دیگر، انقلاب اسلامی می‌باید خود را با چالش‌های احتمالی منطقه و جهان آماده کند. در صورت وقوع جنگ‌های احتمالی در منطقه و جنگ با کشورهای وابسته به ایران اشاره نمود. بدیهی است این عوامل به همراه هرگونه تقویت حضور کشورهای متخاصم در منطقه و جهان (کشورهای دوست)، امنیت ایران را تهدید خواهد کرد.

۶. کنش مبتنی بر عقلانیت: به نظر می‌رسد در صورتی که فضای کنش و مشارکت



مبتنی بر عقلانیت در منطقه و جهان بر فضای واکنش و تضاد غلبه کند، همکاری ایران و دیگر بازیگران منطقه و جهان، نه تنها میسر، بلکه در جهت تأمین منافع تمامی بازیگران منطقه‌ای و جهانی خواهد بود. اگر زمانی ایجاب می‌کرد که انقلاب اسلامی بر اصل «صدور انقلاب» تأکید نماید، در شرایط کنونی به نظر می‌رسد که انقلاب اسلامی طبق عقلانیتی که در ذاتش نهفته دارد و با عنایت به مقتضیات جدید منطقه و جهان با در نظر داشت مصالح کلان ایران، مناسب است استراتژی دقیق‌تری را در پیش گیرد.

۷. فرایندهای هویت‌گرایی در جهان اسلام دارای ماهیت ژئوپلیتیکی است. در هندسه‌ی جدید قدرت جهانی، گروه‌های هویت‌گرا تلاش دارند تا در برابر فرادستی، همزمنی و سلطه مقاومت کنند. چنین گروه‌هایی از غربی تا شرق و از شمال تا جنوب کره زمین شروع می‌شود و ادامه خواهد یافت؛ اگرچه محوریت جبهه مقاومت در منطقه و جهان شکل گرفته است که می‌توان آن را «قدرت جهانی اسلام با محوریت و مرکزیت ایران اسلامی» دانست.

۸. تحولات هویتی در جهان اسلام را باید بر اساس رهیافت‌های جهانی اسلام تشیع مورد ملاحظه قرارداد. در شرایط موجود، جلوه‌هایی از منطقه‌گرایی گسسته بین کشورهای آسیایی و حوزه‌ی آفریقا مشاهده می‌شود؛ بنابراین منطقه‌گرایی گسسته نمی‌تواند راهبردهای اجرایی مناسب و مؤثری را برای دولت‌های منطقه‌ای ایجاد نماید. به همین دلیل است که هویت‌گرایی به‌عنوان منشاء اصلی کنش راهبردی در جهان اسلامی تلقی می‌شود.

۹. به نظر می‌رسد هندسه جهانی قدرت به‌نظام چندقطبی منعطف پیش می‌رود لذا باید نخبگان انقلاب اسلامی در جهان در حوزه فکری، فرهیختگان هنری و فرهنگی در حوزه فرهنگ، مسئولین نظام در حوزه سیاست با تبعیت از رهبر انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، پابندی خود را به اسلامیت انقلاب اسلامی در حوزه‌های مختلف حفظ و تلاش مضاعف نمایند که ایران جایگاه خود را در هندسه قدرت جهانی پیدا کنند.

۱۰. با توجه به اینکه الآن دوره گذار می‌باشد و فرصت ۱۵ تا ۲۰ ساله برای مسئولین نظام مقدس ج.ا.ی می‌باشد که بتوانند در این فاصله شرایط کشور خود را مدیریت کنند و ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های لازم را در کشورمان ایجاد نمایند تا بتوانند با شروع پارادایم



جدید، جایگاه برجسته کشور ایران مشخص گردانند و با تعبیرهای اشتباهی فرصت‌های عالی را ضایع نکنند؛ بنابراین بدون ترس و واهمه می‌توان وارد میدان شد و برنامه‌ریزی کرد، البته برنامه مدون و استراتژی‌های مشخصی می‌خواهد تا به این سمت سوق داده شود. برداشت غلط می‌تواند منافع ملی ایران را از شرایط و تحولات دچار تهدید و آسیب جدی کند؛ که باید از این برداشت‌های غلط (سوءتفاهمات) پرهیز کرد. مثلاً امام خامنه‌ای ^(مدظله‌العالی) در دیداری که با اعضای مجلس خبرگان داشتند به این نکته اشاره کردند که توانمندی‌های ما در داخل و در منطقه و دوردست، مثل آمریکای لاتین زیاد است، بنابراین همه ظرفیت‌های خود را باید شناسایی کنیم و بر این ظرفیت‌ها سوار شویم و اهداف آینده را علامت‌گذاری کنیم.



منابع و مآخذ

منابع فارسی

- فوکو، میشل (1379)؛ ایران روح یک جهان بی‌روح؛ (ترجمه: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده)؛ تهران: نشرنی
- عمرانی درگاهی، علی (۱۳۸۳)، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی در جهان، چاپ اول، تهران معاونت آموزش نیروی مقاومت بسیج سپاه
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، آینده انقلاب اسلامی ایران، چاپ بیست و هفتم، انتشارات صدرا
- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۸۰)، چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران (تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چ اول)
- افشاری راد، مینو و آقابخشی (۱۳۹۲) علی فرهنگ علوم سیاسی (تهران: نشر چاپار، چ هفتم)
- سجادی‌پور، محمدکاظم (۱۳۸۳)، چارچوب‌های مفهومی و پژوهشی برای مطالعه سیاست خارجی ایران (تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌الملل، چ دوم)،
- افشردی، محمدحسین (۱۳۸۱)، ژئوپلیتیک قفقاز؛ سیاست جمهوری اسلامی ایران (تهران: سپاه پاسداران، چ اول)
- مجیدی، محمدرضا (۱۳۸۷)، غرب آسیا، نظام بین‌الملل و همگرایی منطقه‌ای (تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چ اول)
- ازغندی، علی‌رضا (۱۳۸۹) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (تهران: قومس، چ هفتم)
- شمس دولت‌آبادی، محمود: (۱۳۹۲)، همایش بین‌المللی نقش دنیای اسلام در هندسه قدرت جهانی
- عساربان، حسین (۱۳۹۳)، معرفت‌شناختی و زیرساخت‌های شناخت تحول در هندسه قدرت جهانی: خبرگزاری تسنیم
- خلیلی، محسن (۱۳۹۰)، بایستگی‌های ژئواکونمیک توسعه منطقه‌ای جنوب شرق ایران، فصل‌نامه‌ی روابط خارجی، سال سوم، شماره‌ی چهارم، زمستان
- فاضلی نیا، نفیسه (۱۳۸۵)، ژئوپلیتیک شیعه و مسئله‌ی امنیت ملی ایران، فصل‌نامه‌ی شیعه‌شناسی، سال چهارم، بهار، شماره‌ی ۱۳
- مرادی، منوچهر (۱۳۷۸)، جنگ در قفقاز؛ امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران، فصل‌نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز (ش ۶۳)
- غلامی، رضا (۱۳۹۲): همایش بین‌المللی جایگاه و نقش دنیای اسلام در تحول هندسه قدرت جهانی
- محمدی، منوچهر (۱۳۹۳)، مسئول کارگروه ویژه تحول و ارتقاء علوم سیاسی شورای عالی انقلاب فرهنگی، سخنرانی
- هالیدی، فرد (1364)؛ تکوین دومین جنگ سرد؛ (ترجمه: هرمز همایون پو)؛ تهران: انتشارات آگاه.
- خمینی (ره)، امام، صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۴۳.



- نوازی، بهرام (۱۳۸۸)، صدور انقلاب اسلامی زمینه‌ها و پیامدهای بین‌المللی آن، چاپ اول، تهران، معاونت پژوهشی، انتشارات پژوهشکده امام خمینی^(ع) و انقلاب اسلامی
- دوویچ، کارل و دیگران (۱۳۷۵)، نظریه‌های روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی، ج ۲ (تهران: جهاد دانشگاهی)

منابع انگلیسی

- Joseph S.Nye, Soft Power: the Means to Success in World Poliics, New York: Public Affairs, 2004
- Haynes Jeffrey Religious soft power and international relations london metropolitan.
- <http://www.leader.ir>.
- <http://www.leader.ir>.
- <http://naghdnews.ir>.
- <http://www.javannewspaper.com>
- [http:// sndu.ac.ir/sites/default/files/admin/4.pdf](http://sndu.ac.ir/sites/default/files/admin/4.pdf)
- <http://astaranews.mihanblog.com/post>
- Opec Bulletin, (October 2006) P.9-10.
- <http://eheyat.com>

